

The Barker
Spiral

بارکر سچس مے گوید

مصاحفہ سے سے آریو نا یوسفوری سے بارکر

سک لید

نیک لند

بار کر سخن می گوید

مصاحبه‌ی سی‌سی‌آریو با پروفیسور دی. سی. بارکر

ترجمه zero-cool

asabsanj.com

دنیل چارلز بارکر از ۱۹۹۲ پروفیسور نشانه‌شناسی غیرارگانیک در کالج کینگ اسپورت (اموی یو، ماساچوست) بوده است. دستاوردهای فکری غیرعادی اش در برابر هرگونه خلاصه‌سازی مقاومت می‌کنند، از جمله درگیری عمیق و جامع‌الاطراف وی با سرتاسر گستره‌ی علوم مرتبط با زندگی و زمین، به‌علاوه‌ی پژوهش باستانی فرهنگی^۲، نشانه‌شناسی ریاضیاتی، زبان‌شناسی کالبدشناختی، و مهندسی اطلاعات. او که در اوایل دهه‌ی هفتاد به‌عنوان یک رمزنگار^۳ آموزش دیده بود، زندگی اش را (از بین دیگر امور) صرف رمزگشایی از نسخ خطی باستانی، بقایای شبه زیستی^۴، و الگوهای کانی‌سان نامتعارف کرد. سی‌سی‌آر یو در اواخر پائیز ۱۹۹۸ با پروفیسور بارکر در دفتر کار او در اموی یو ملاقات کرد. در ادامه رونوشت ویرایش‌شده‌ای از آن گفتگو می‌آید.^۵

سیستم‌های تیکی^۶. رمزنگاری به‌تمامی رشته‌ی راهنمای من بوده است. اما حتا حالا، زمین‌تروماتیک^۷ درباره‌ی چیست؟ — یک تمرین دقیق رمزگشایی. در نتیجه، از این حیث واقعاً به‌هیچ‌وجه تغییر مسیر نداده‌ام. سفری وجود دارد، اما سفری چه‌عجیب بی‌حرکت.

در ام‌آی‌تی مشغول علوم اطلاعاتی شدم — تز پیشنهادی‌ام کاملاً محافظه‌کارانه بود، شامل موضوعات اغلب فنی مربوط به کاهش نویز و تنظیم سیگنال — اما اموی یو تازه شروع به کار کرده بود، و پژوهش به آن‌ها تحویل داده شد. همان‌هم به تماس‌های مختلفی انجامید، و از آن‌جا هم به مشغولیت در سازمانی مربوط به ناسا با علاقه‌ی ویژه‌اش به فعالیت‌هایی همچون سستی^۸. وظیفه‌ام کمک به تقویت مبنای نظری تحلیل سیگنال‌هایشان بود. آن‌ها می‌خواستند بدانند چطور بین ارتباط هوشمند و الگوی پیچیده‌ی مشتق‌شده از منابع غیرهوشمند — اصولاً — فرق بگذاریم. قصه را کوتاه کنم؛ برایم هرچه بیشتر معلوم شد که هرچند می‌گفتند در جستجوی هوش هستند، اما در واقع در پی سازماندهی بودند. کل برنامه از اساس گمراه‌کننده بود. آدم‌های مختلف با سمت‌وسوی پژوهش مشکلات جدی داشتند، پژوهشی که اساساً الگوی سازمانی

۱. MVU؛ مختصرشده‌ی عبارت Miskatonic Virtual University، یا دانشگاه مجازی میسکاتونیک، نامی برای پژوهشگران و آزمونگران سیاست نولموری-لاوگرفتی. سی‌سی‌آر یو خودش را از همین سنخ می‌نامد و پژوهش‌هایش در فرهنگ سایبرنتیک را در برابر فضای محافظه‌کارانه‌ی دانشگاه MIT که شاخص مشهور پژوهش‌های رسمی روی علم و تکنولوژی ست قرار می‌دهد. م.

2. archaeocultural

۳. cryptographer؛ کریپت (رمز) زبان ابداعی اجتماع‌های مخفی‌ست، اما کد (رمز) زبان ازپیش‌مفروض مردم و دولت است. باین‌همه سازمان‌های جاسوسی نیز از کریپتوگرافی برای انتقال پیام‌های سری‌شان استفاده می‌کنند؛ برای نمونه، جنگ جهانی و ماشین آلن تورینگ. م.

4. quasibiotic

۵. این متن هم در کتاب «نومن‌های نیش‌دار: مجموعه‌نوشته‌ها ۱۹۸۷-۲۰۰۷» (نیک لند، ۲۰۱۲، نشر اوربنومیک و سکوننس) و هم در کتاب «مکتوبات سی‌سی‌آر یو ۱۹۹۷-۲۰۰۳» (سی‌سی‌آر یو، ۲۰۱۵، نشر تایم اسپیرال) منتشر شده است. م.

۶. Tic-Systems؛ به پرش غیرارادی و تشنج‌زای عضله Tic می‌گویند. سیستم‌های تیک‌زن از این حیث با نیروهای اشتدادی عمل می‌کنند. م.

۷. geotraumatology؛ علم یا دانش بررسی فرایندهای زمین‌ترومایی. بر وزن سمیوتیک، پراگماتیک، ریزوماتیک، دیالکتیک، فیزیک، اتیک. م.

۸. SETI؛ اختصار «پژوهش درباره‌ی هوش فرازمینی». م.

را صدو هشتاد درجه تغییر می‌داد. اصطکاک اجتماعی غیرقابل تحمل شد و باید آن‌جا را ترک می‌کردم، که البته اوضاع هم به خاطر تصفیه حساب امنیتی رده بالا حسابی ریخت و پاش شد...

الگوی زیرسازمانی همان جایی است که امور واقعا رخ می‌دهند. وقتی هرگونه حشو رسوب کرده — مانند فرض قصدمندی، سوژکتیویته، تفسیرپذیری، ساختار، و الخ — را از سویی خود پژوهش دور می‌ریزید، آن‌چه باقی می‌ماند هم‌بندی‌های خرد محرک است که به لحاظ کارکردی به هم متصل‌اند؛ به آن می‌گوییم تیک-سیستم‌ها: ته‌نشست‌های اطلاعاتی هم‌رویداد، لرزه‌زم‌نگاشت‌ها، شبه‌رپلیکتورها^۱ (مدار بندی‌های باکتریایی، مورب‌سازی‌های چندسر^۲، آروپروس^۳ بینافازی، مقلد‌دی‌ان‌ای، نانو جمعیت‌های یونی‌کننده)، به‌علاوه‌ی ماکرو ماشین‌آلات سرکوب‌شان، یا توان‌زدایی. از این نظر، هر دو سیگنالتیک^۴ غالب و علم اطلاعات به‌نحوی ناکافی انتزاعی و فرانظری‌اند. آن‌ها نمی‌توانند ماشین را برای آپاراتوس یا تکینگی را برای الگو ببینند. پس تیک-سیستم‌ها به رویکردی نیاز دارند که کیهانی-انتزاعی — حاد ماتریالیستی — و نیز مشارکت‌کننده است، به روش‌هایی که هم‌بندی‌ها را به منزله‌ی انضمامی‌سازی‌های نظریات پیشینی تفسیر نمی‌کنند، همین‌طور به الگوهای درونماندگار که خودشان را در سطح سیگنال‌هایی که پردازش می‌کنند جهش می‌دهند. تیک-سیستم‌ها تماماً با تفکیک سوژه/ابژه، یا با سنخ‌شناسی‌های انضباطی منجمد، توان برهم‌کنش دارند. هیچ نظم طبیعت، هیچ معرفت‌شناسی یا ابرموضع علمی، و هیچ سطح بی‌همتایی برای هوش در کار نیست. پیشروی در این حیطة که کیهان است مستلزم فرهنگ‌های نو یا — همان معادلش — ماشین‌های نو است.

مسأله این بود: چطور کمیت کثرت‌های غیرارگانیک را بسنجیم؟ کمیت‌های مورب، بی‌قاعده، مولکولی، و غیرمتریک به مقیاسی نیاز دارند که خودش غیرمتریک است و از فرارمزگذاری می‌گریزد. روال‌های استاندارد سنجش و طبقه‌بندی کاملاً ناکافی از کار درآمدند، زیرا قسمت‌بندی مفهومی منجمدی را با کمیت و کیفیت پیش‌فرض می‌گیرند (گازانبرهای دوسر مولی‌بودن، سنخ و درجه نزد دلوز و گتاری). وقتی چیزها در سطح تیک-هم‌بندی‌ها — یا آرایش‌های تیک‌زننده‌ی صاف — از کار درمی‌آیند، فقط جمعیت‌های اشتدادی وجود دارند، و سنجش باید به مهندسی کثرت‌های امتزاجی راه‌برد: سیستم‌هایی که

1. شبه‌خودمشابه‌سازها; quasireplicator

۲. Polypoid؛ خصلت پیوند را توصیف می‌کند؛ در جانورشناسی معادل است با مرجانی؛ در طب، بواسیری. در این‌جا اشاره به چندظرفیتی بودن این پیوند مورب و هیبریدی بودن متعاقب تصویراندیشه‌ی آن، که موجب چندپهلویی‌های زبانی، معنایی، و نشانه‌ای می‌شود. م.

۳. R-Virus؛ حرف R سه فحوا دارد: Retribution, Regeneration, Rose. اولی به اساس گل اشاره دارد، دومی به باززایی و بازپیدایش، سومی به مجازاتی عادلانه. سازنده‌اش می‌گوید این ویروس از سیاره‌ای غیرقابل سکونت، تاریک، و به رنگ گل رز می‌آید. این ویروس متابولیسم میزبان را افزایش می‌دهد، تکثیر سلولی را زیاد می‌کند، و سلول‌های مرده را از نو زنده و احیا می‌کند. میزبان پس از برخورد با ویروس می‌تواند سطوح بالاتری از هوش و باززایی را کسب کند اما این بازپیدایی مختص پستانداران است و اگر به دیگر گونه‌های زنده اعمال شود کل سلول‌های میزبان را می‌خورد و او را به مرگی دردآور دچار می‌سازد. م.

۴. signaletics؛ علم یا دانش بررسی تولید، مخابره، و دریافت سیگنال‌ها. بر وزن سمیوتیک، پراگماتیک، ژنوتروماتیک، دیالکتیک، فیزیک. م.

خود را تنها به شیوه‌ای که تکثیر می‌شوند به حساب می‌آورند، مثل انبوهه‌های به‌طور درونماندگار شمارنده، مثل کوانتم نانوپلاستیکی که به‌طور گردابی می‌چرخد. سرانجام راه‌حلی ماشینی با توزیع‌گر تیک فراهم شد، اما این راه‌حل بعداً آمد... اولش فقط معادله در کار بود، معادله‌ای فرفراده در آن‌چه هنوز فکر می‌کنم بدن خودم باشد، تیک-چگالی مجازی = تنش زمین‌ترومایی.

زمین‌تروماتیک. نسبتاً دیر سراغ فروید رفتیم، چون او را به تقلیل‌گرایی ادیبی و به‌طور عام‌تر به وهله‌ای روانشناختی پیوند می‌زدیم که به‌سادگی برای کار رمزنگارانه بی‌ربط بود. مهم است که همین‌جا بگوییم - و بی‌شک به این نکته برخوایم گشت - که هر چیز مولد در تحلیل سیگنال‌ها از زودن پیش‌داوری‌های زائد درباره‌ی منبع و معنای الگوهای کارکردی پیچیده می‌آید. من الغای اکید هرمنوتیک را کلیدی برای پیشروی نظری در پردازش سیستم نشانه‌ها در نظر می‌گرفتم - و هنوز هم در نظر می‌گیرم. این اکیدنا استیل‌ول بود که به من کمک کرد تا فروید را از سوی دیگری ببینم. دوره‌ی سختی بود. مشاجره‌های دردآور زیادی از کار ناسا همچنان وجود داشت. روان‌درمان‌گرها، تا حدی در تلاش برای روان‌آسیب‌شناسی کردن و بی‌اعتبارساختن پژوهش‌م، و تاحدی در پاسخ به سمپتوم‌های واقعی مربوط به استرس، درگیر ماجرا شده بودند. بین این دو منطقی‌های خاکستری ناکارایی ترومایی و پارانوایا وجود داشت و اثرات فیدبک دشوار را هم شامل می‌شد. استیل‌ول متقاعدم کرد که تنها راه خلاصی از این ماجرا کوشیدن و معنادادن به آن است، و این‌هم با تسلیم‌شدن به حالتی تفسیری معادل نیست. برعکس، فروید در *فراسوی اصل لذت* شماری از گام‌های مقدماتی تعیین‌کننده به سوی نقشه‌نگاری *ضمیر ناآگاه زمین کیهانی* به‌منزله‌ی یک مگاسیستم ترومایی را برمی‌دارد، همراه با زندگی و اندیشه که به‌نحوی پویا برحسب تنش‌های غیرارگانیک، کشسانی، یا پیچ‌وتاب ماشینی، کمیت‌سنجی شده بودند. این به بازمیزان‌سازی ماتریالیستی-غیرسازمانی یک فرهنگ‌واژگان کامل نیاز داشت: تروما، ضمیر ناآگاه، رانه، تداعی، حافظه (صفحه‌نمایش)، تراکم، واپس‌روی، جابه‌جایی، گره، سرکوب، انکار (مثلاً، پیشوند «نا-»، هویت، و شخص.

دلوز و گناری می‌پرسند: زمین فکر می‌کند کیست؟ موضوع بر سر انسجام¹ است. با قصه‌ای علمی آغاز کنیم که این‌طور پیش می‌رود: بین چهارونیم و چهار میلیارد سال پیش - طی دوره‌ی هادتن یا پیشازیستی - زمین از خلال تبدیل اثرات سیارکی و شهاب‌سنگی به افزایش دما (تبدیل انرژی جنبشی به انرژی حرارتی) در حالتی از گدازه‌ی مذاب آبرگرم مانده بود. همچنان که سیستم خورشیدی نرخ و دامنه‌ی تصادم‌هایی را که به‌طور ثابت افت می‌کردند متراکم و مایع کرد و سطح زمینی خنک شد، سرآغازهای چرخه‌ی آبی بابت تشعشع گرما به فضا از نو نیرو گرفتند. طی دوره‌ی بعد - عصر آرکائین یا نخست

همنواختی، خودسازواری; consistency 1.

زیستی — هسته‌ی مذاب درون پوسته‌ی قشری مدفون شد و مخزنی مجزا از ترومای برون‌تولیدی آغازی یا موتور زمین‌کیهانی تراجهش زمینی را تولید کرد. و همه‌اش همین است. به این پلوتونیک^۱ می‌گوییم، یا نوبلوتونیسیم. همه‌اش همین جاست: حافظه‌ی غیرارگانیک، حلقه‌زنی آذرین امتزاج‌های بیرونی در محتوای درونی، ترومای غیرشخصی به منزله‌ی مکانیزم رانه. هبوط به پیکر زمین با نوعی واپس‌روی از بطن زمان زمین‌کیهانی تناظر دارد.

تروما یک بدن است. سرانجام — در قطب عدم‌توازن حداکثری‌اش — چیزی آهنین است. در ام‌وی‌یو آنرا کتل^۲ می‌نامند: سومین بخش درونی جرم زمینی، اقیانوس فلزی شبه‌مایع، یک مگامولکول، و آشپز-فشاری و رای تخیل. این توده آن پایین، سه هزار کلیک پایین پوسته، حتا از سطح خورشید هم داغ‌تر است و تمام آن انرژی گرمایی یک‌جور حافظه‌ی غیرسوپرکتیو غیرشخصی امر خارج است، ماشین‌آلات پهنه‌تکتونیک^۳ سیاره را از راه دینامیک هادی و هم‌برد‌گذاری ماگمای سیلیکاتی حرکت می‌دهد، سرتاسر سیستم را ضمن تپش جذرومدی‌اش با مدار ماه در بسترهای الکترومغناطیسی شستشو می‌دهد. کتل کابوس درونی زمینی‌ست، اقیانوس شبانه، زندو^۴؛ زوزه‌ترومای بدن فلزی غیرارگانیک زمین، که با شدت‌های درهم‌رونده قطع شده، امواج و جریانات حرارتی، ذرات دیوانه‌وار، روبازه‌ها و سرباره‌های یونی، و حساسیت‌های ژرف و گرانشی مبدل‌شده به الکتروشبکه‌ای غیرمحلی آنرا درنور دیده‌اند، و حالتی آتشفشانی را تغذیه می‌کند.... به همین دلیل است که علم پلوتونی دائماً به هذیان شیزوفرنیایی می‌لغزد.

زمین‌لرزه‌شناسی را جلو بزنید و آن‌وقت جیغ زمین را می‌شنوید. زمین‌تروما فرایندی در جریان است، که تنش‌اش دائماً در سامانی زیست‌شناختی — و به‌صورتی نسبتاً یخ‌زده — بیان می‌شود. برای نمونه، فرم

۱. plutonics؛ علم یا دانش بررسی فرایندهای آتشفشانی آذرین (plutonic)، بر وزن پراگماتیک، ژئوتروماتیک، فیزیک. خود پلوتو نیز هم به سیاره‌ی پلوتون (نهمین و کوچک‌ترین سیاره‌ی منظومه‌ی شمسی) و هم به خدای عالم اسفل یا قعر دوزخ اشاره دارد. هم عدد نه در عددشناسی اجدسی سی‌سی‌آریو اهمیت زیادی دارد و دروازه‌ی آخر یا ورود به وضعیت بیونی-گازی را نشان می‌دهد و هم قعر دوزخ به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادی سی‌سی‌آریو وضعیت درونماندگاری قیامت در امروز یا خلق کجانآباد یا ناکجاآباد در یک این‌جا-کنون نوشته و متفاوت‌توزیع شده است. م.

۲. Cthell؛ مفهومی ساختگی که در واژه‌نامه‌ی سی‌سی‌آریو برایش آمده: «اقیانوس آهنی زمین، شامل یک‌سوم حجم زمینی، تقریباً سه‌هزار کیلومتر زیر سطح زمین. مگامولکول اشتدادی.» این مفهوم در دیگر نوشته‌های سی‌سی‌آریو به کتلکترونیک (درمقام یک علم یا دانش، بر وزن سیگنالتیک و ژئوتروماتیک) بدل می‌شود و در واژه‌نامه چنین توصیفی برایش آمده: «پراگماتیک خودمهندسی‌کننده‌ی هوش زمینی غیرارگانیک که از پیچ‌وتاب‌های گردابی و بیونی کتل بیرون می‌زند، با بسترهای الکترومغناطیسی فن‌چینه‌ها برخورد متقاطع و درهم‌رونده دارد. از دید کی‌گوته‌ها، وقتی وب به کتلکترونیک سوئیچ کند، کریپت را می‌زاید.» نیمه‌ی ابتدایی‌اش نیز به Cthulhu لاوکرفت شباهت دارد. م.

۳. plate-tectonic؛ پهنه‌تکتونیک را نیز باید بر وزن ژئوتروماتیک، پلوتونیک، سیگنالتیک، فیزیک، پراگماتیک و غیره به‌صورت یک علم یا دانش فهمید. تکتونیک علم زمین‌ساختی یا ساخت‌شناسی زمین، زمین‌سازشناسی، یا بررسی طبقه‌ها، لایه‌ها، و قشرهای یک ساختمان یا ساخت است و معمولاً در زمین‌شناسی و معماری کاربرد دارد. پهنه نیز صفحه‌ای‌ست شامل طبقه‌ها و لایه‌های مختلف. این مفهوم از منظر زمین‌فلسفی می‌تواند بدیلی برای چینه‌کاو و زمین‌شناسی، یا تشدید مفهومی آن‌ها هم باشد. پس پهنه‌تکتونیک یعنی علم زمین‌ساختی پهنه‌ها. م.

۴. Xanadu؛ جدا از این‌که زندو نام دیگری برای شانگو یا شانگدو به‌عنوان پایتخت تابستانی قوبلای خان در چین است، جدا از این‌که زندو یا در اصل منطقه‌ی زندو نامی برای سطحی بسیار درخشان و بازتابی روی نیم‌کره‌ای از قمر تیتان از سیاره‌ی زحل است، در اصل این کلمه اشاره‌ای‌ست به هر مکان عجیب‌وغریب و آگزوتیک، و در فرهنگ به اصطلاح غربی با سرزمین عجایب معادل است. م.

حیات‌هایی که به نحوی عجیب محبوس و فرو بسته شده‌اند و تمایل داریم سنخ‌نما ببینیم‌شان — همان‌ها که کمابیش مطیع مکانیک انتخاب داروینی‌اند — کمتر از شش هزار میلیون ساله‌اند. این فرم حیات‌ها با بحران اکسیژن‌دهی سیاره‌ای شروع شدند، که با اشباع آهن پوسته‌ای به راه افتاد، و با مسمومیت اکسیژنی زیست-سیستم پیش‌هسته‌ای و ظهور رژیم هوهسته‌ای ادامه یافت. سلول‌های هوهسته‌ای بی‌اندازه سرکوب‌گرند. آن‌ها یک مدل دستور-کنترل هسته‌ای مبتنی بر حافظه‌ی ژنومی صرفاً خواندنی را به کار می‌اندازند ملزم به تسخیر دوگانه‌ی میوزی-میتوزی^۱، سامان سلسله‌مراتبی، و ویژه‌سازی چندسلولی. حتا تمایز بین فردپیدایی و نوع‌پیدایی — مراتب زمانی متمایز فرد و گونه — بدون برنامه‌ریزی فقط خواندنی هسته‌ای هوهسته‌ای و هویت ایمن‌شناختی معنای چندانی ندارد. تکامل‌گرایی عواقب زمین‌ترومایی ویژه را پیش‌فرض می‌گیرد.

اگر مثال متأخرتری را در نظر بگیریم، شصت و پنج میلیون سال قبل شکوفایی حیات پستانداران در اثر برآمدن موشک کی/تی^۲ رخ داد که با فعالیت ماگمای-دودی کلان در اقیانوس هند ترکیب شد تا دوره‌ی مزوزوئیک را به پایان برساند. حالت آتشفشانی فورانی به علاوه‌ی ضربات فرازمینی برحسب اتفاق یا حلقه‌ی پلوتونی به هم مرتبط شدند. در نتیجه، گذاری فاجعه‌بار به رژیم از جانوران عظیم‌الجثه‌ی پاسوسوماری وجود دارد، بخشی از یک بازسازماندهی سرتاسری بزرگتر متعلق به وجه سمپتومی زمینی، که شاخصی از سربرآوردن نوه‌ادئن یا نوپیشازیستی را فراهم می‌کند. و حیات پستانداران چه ربطی به سوسماران عظیم‌الجثه دارد؟ بیش‌از همه، ابتکاری در مادری کردن! عمل شیردهی به منزله‌ی زیست‌بقا‌گرایی. از مادرت به من بگو و می‌بینی که داری به کی/تی سفر می‌کنی و نه به ضمیر ناآگاه شخصی.

فاجعه‌باوری ستون فقرات. برای انسان‌ها بحران ویژه‌ی اطوار راست‌قامت دوطایی وجود دارد که باید پردازش شود. به‌طورفزاینده‌ای آگاه بودم که همه‌ی مسائل واقعی من حالت‌مندی‌های کم‌درد یا زخم نخاعی تبارزایانه بودند، همان‌ها که مرا به پیامدهای خطر انفجار پیشاکامبرین، به چیزی حدود پانصد میلیون سال قبل بازگرداندند. دوره‌ی بعدی بدن را به‌طورفزاینده‌ای از راه سامان چندپایه‌ای نقشه‌نگاری کرد. آشکارا الگوهای تیک‌گدازه‌ای عصب‌حرکتی شبه‌منسجم گسسته وجود دارند که مراحل به‌طورفزاینده‌ی خمش‌ناپذیرشان شنا می‌کنند، می‌خزند، و (روی دو پا) راه می‌روند. الاین مورگان به‌طورمقاعدکننده‌ای خاستگاه دوطای‌گرایی انسان نخستین را تا تغییرات پهنه‌تکنونیک زیان‌بار ردیابی می‌کند. این مدل زیست‌زمین‌لرزه‌ای است. تشنج قشری و بدن‌نقشه‌ی حیوانی به معنای ظریف و دقیق کلمه هم‌پیوند هستند و سرتاسر نظریه‌ی میمون‌آبری یک تحلیل زمین‌ترومایی نمونه‌وار را می‌سازد. اطوار قائم و

۱. meiosis-mitosis diplocapture: تقسیم سلولی و تقسیم غیرمستقیم هسته‌ی سلول. سی‌سی‌آریو طرف عقیگرد غیرمیوزی است. م.

۲. K/T Missile: دوره‌ای که با یک نابودی عظیم در تاریخ سیاره‌ی زمین بر خشکی و در دریا مشخص می‌شود و نشانگر مرز میان دوره‌ی سوم کرتاسه و پایان مزوزوئیک است که طی آن بسیاری از جانوران عظیم‌الجثه و حتا برخی از ریزترین گونه‌ها همچون انواعی از پلانکتون‌ها منقرض می‌شوند. م.

عمودی سازی مجموعه بلایی منجمد است که با فهرستی بلند از پیامدهای آسیب‌شناختی پیوند دارد، طوری که باید اغلب روان‌رنجوری‌های انسانی را در میان‌شان گنجانند. گرایش‌های بسیاری در فرهنگ معاصر بر کوشش برای بازیابی ستون فقرات خم‌شونده-جنبنده‌ی مارماهی‌سان گواهی می‌دهند: افقی و تکانشی، و نه عمودی و تاب‌آور فشار.

مسئله در این‌جا – همچون همیشه – واپسروی واقعی و مؤثر است. مسأله بر سر روانشناسی بازنمایانه نیست. تز بی‌اندازه بی‌اعتبارشده‌ی «تکرار دوره‌ی سیر تکامل» نزد ارنست هکل را در نظر بگیرید، یعنی این ادعا که فردپیدایی^۱ تبارزایی را تکرار و ظاهر می‌کند. این نظریه‌ای است که بابت ارگانیزم^۱ به خطر افتاده است اما کنار گذاشتن مطلق این نظریه یک جور زیاده‌روی بود. پاسخ بالارد به آن مولدر و متعادل‌تر است: او دی‌ان‌ای را یک بانک حافظه‌ی تراارگانیک و ستون فقرات را بقایای فسیلی تلقی می‌کند، آن‌هم بدون تناظر فردپیدایانه‌نوع‌پیدایانه‌ی منجمد. نقشه‌نگاری سطوح ستون فقرات بر زمان عصبی^۲ انعطاف‌پذیر، چندمرحله‌ای، و مورب‌ساز است. این نقشه‌نگاری به پیچ‌وتاب تنش‌زا بین بلوک‌های گذار ماشینی می‌پردازد، نه به هم‌ریختی اکید – یا حشو چینه‌ای – بین مقیاس‌های نظم گاه‌شمارانه. دی‌ان‌ای پستاندار رمزگان‌های نهفته‌ی ماهی را (از میان بسیاری چیزهای دیگر) شامل می‌شود.

پهنه‌تکتونیک. به خاطر اطوار قائم، سر به دوروبر می‌پیچد، حالت خطی مهره‌دراکی را فرومی‌پاشد، و پیش‌شرط‌های مربوط به تبارزایی یا تکامل نژادی را برای چهره تدارک می‌بیند. این آرایش بادی-دهانی قام‌الزویه یک دستگاه آوایی را به منزله‌ی محل برخورد تولید می‌کند که در آن تکانه‌های سینه‌ای با کام دهان مصادف می‌شوند. سر استوار بر دو پا به یک اختلال گفتار مجازی، یک تصادم هوایی شبه‌مجمعه‌ای بدل می‌شود که خود این نیز به صورت رشد زبانی-ژستی و برآمدن کله‌دارشدن تخلیه می‌شود. بنا به پیشنهاد باروز، میمون نخست‌انسانی از خلال بدنش روی زمین کشیده می‌شد تا زبانش منسوخ شد. این یک سیستم دومحوره از زوزه‌ها و دم‌آواهاست که متقابلاً به صورت یک لوح آوایی صامت-مصوت مفصل‌بندی و ادا شدند، همراه با یک قسمت‌شدگی درونی منجمد تا تغییر پیوسته‌ی هیس-جداآوا و حیوان‌شدن‌های ملازمش را سرکوب کند. به همین دلیل است که لکنت‌زدن‌ها، تته‌پته‌ها، تیک‌های آوایی، صوت‌شناسی‌های فوق زبانی، و سنتز صوتی الکترودیجیتال، همگی شدیداً آکنده از شدت زیست‌سیاسی‌اند – آن‌ها کله‌خرابی انسانی ساختاری را که هویت‌مان را با لوگوس می‌سازد تهدید به دورزدن می‌کنند و در جهت اعداد می‌گریزند.

۱. organicism: این که همه‌ی بدن جانور یا گیاه زندگی را میسر می‌کند، نه اندام‌های ویژه‌ای یا بخش‌های به‌خصوصی از آن ارگانیزم. م.

شمارش بارکر. همین که اعداد دیگر فرارمزگذاری نشوند و از همین رو از کارکرد متریک‌شان خلاص شده باشند، برای دیگر چیزها نیز آزاد می‌شوند، و تمایل دارند که نموداری^۱ شوند. از ابتدای کار تیک-سیستم‌هایم، منسجم‌ترین مشکلات به پیامدهای اشتدادی مربوط بوده‌اند. توالی^۲ نظم^۳ نیست. نظم یک مضاعف‌سازی، یا سطحی از حشو را از قبل پیش‌فرض می‌گیرد: توالی متوالی. یک توالی رمززوده چیزی دیگر است، یک‌جور توانایی شمردن^۴ محض مقدم بر هرگونه الحاق درون ساختار گاه‌شمارانه. به همین دلیل است که عدد رمززوده نوعی گریز از فرضیات زمان پیشرونده را ایجاب می‌کند. انبوهه‌های تیک به امواج همگرا وارد می‌شوند، بدون تابعیت از گاه‌شماری، تاریخ، یا علیت خطی. آن‌ها با درخودتاخوردن، درون‌پیچیدن، یا پیچش به پیش می‌روند. موضوع بر سر همگرایی است، و اعداد وقتی آزاد باشند چنین می‌کنند. در نتیجه، اولین مرحله به تداخل پیچ‌وتاب‌دار مقیاسی با چگالی تیک نیاز داشت که از حیث عددی به صورت جفت‌سازی رقمی^۵ تدقیق شد. ارقام دهگانی را به منزله‌ی مجموعه‌ای از جفت‌های ۹ تایی تلقی کنید - زیگون^۶ بسازید - و ببینید که آن‌ها نقشه‌ی یک موج اشتدادی انتزاعی را بی‌اعتنا به دامنه‌اش ترسیم می‌کنند. هر چیز کارآمد درباره‌ی تقلیل رقمی به همین مسأله ربط دارد، زیرا همین است که کلید جفت مکمل^۷ دهدهی را کشف می‌کند: $0=9$. نوعی مسطح‌شدن به توالی نامنظم یا درون‌پیچیدگی عددی انتزاعی. نه عدد دهدهی نهایی است که به منزله‌ی صفر مثبت (یا بدن پر^۸) عمل می‌کند. نه محصول عددی انتزاعی دامنه‌ی دهدهی منهای یک است (که درمقام تکرار $0,999,000=1$ بی‌نهایت کوچک شده)، و به حالت خاصی از تکثیر درون نشانه‌شناسی کاپیتالیستی (از نوع $99,99$) مربوط می‌شود.

1. diagrammatic

2. sequence; ترتیب

3. order; مرتبه

4. numeracy; مهارت شمارش یا حساب ریاضیاتی

5. digital

6. Zygonovize؛ این مفهوم ساختگی ظاهراً ترکیبی از دو لفظ zygon و nova را در خود دارد. بخش اول به کاراکتری در سریال علمی‌تخیلی دکتر هو مربوط است، نژادی فرازمینی با قابلیت تغییر شکل پیوسته، که به آن‌ها مجال می‌دهد تا ظاهر موجودی دیگر را به خود بگیرند و عدد نه نیز برخی از دلالت‌هایش را از خصایص همین موجود علمی‌تخیلی می‌گیرد. بخش دوم، به معنی نواختر، به زایش یک ستاره‌ی جدید (از منظر کیهان‌فیزیک، در اثر انفجار هسته‌ای ویرانگر و کلان‌مقیاس روی یک کوتوله‌ی سفید) اشاره دارد. باین‌همه، این مفهوم در آثار سی‌سی‌آریو بیش از دو اشاره‌ی یادشده از دل عددشناسی نه‌تایی ابجد می‌آید و به معنای ساخت جفت‌هایی دوتایی است که عدد نه را می‌سازند، مانند یک و هشت، دو و هفت، سه و شش، چهار و پنج، و الی آخر. پس زیگون بسازید یعنی جفت جمع‌نه درست کنید. نمودار بارکر در انتهای همین متن تصویری از این مفهوم به دست می‌دهد اما بهترین توصیفش در نمودار ماریچی نه‌تایی سی‌سی‌آریو به‌عنوان بنیادی‌ترین نمودارشان در فصل هشت از کتاب با عنوان «ماتریس لموری» یا سیستم ماریچ است که نسبت بین «دیوها، دروازه‌ها، و عدها» را به‌نحوی حادخرفه‌ای شرح می‌دهد. م.

7. zyzygetic

8. full body؛ یا همان بدن بی‌اندام پر درمقام چینه‌زوده‌ترین، غیرمتریک‌ترین، و اشتدادی‌ترین بدن که از حیث مفهومی-کارکردی در مغایرت با بدن تهی (فایشیسم) و بدن سرطانی (افلاطونی) قرار دارد. بدن پر همان زمین در وضعیت مگامولکولی با شدت‌های آزادش هم هست. م.

مارپیچ بارکر. این الگو واقعاً با مارپیچ دویاخته‌ای توأم می‌شود، که ناگهانی و تصادفی سررسید. داشتم تباهی^۱ را بازی می‌کردم، که اولین بار خیلی سال قبل با آن مواجه شده بودم. این بازی از قبل به خاطر ظرافت عددی‌اش، تداعی‌های پیچیده‌اش، و وابستگی‌اش به یک اصل جفت‌سازی ددهمی من را جذب خودش کرده بود. همواره به نظر می‌رسید که اشاره به یک محاسبه‌گرایی گمشده که با جفت مکمل عمل می‌کند به تقارن دوطرفه‌ی بدن انسان مرتبط باشد. رقم‌ها^۲ همان انگشت‌ها هستند، و در بسته‌های ددهمی دو در پنج می‌آیند. در بازی تباهی، پنج با مضاعف شدن یا با جفت شدن با خودش ده می‌شود و امتیاز صفر دارد. این وسوسه‌ام کرد، اما نتوانستم آنرا به لحاظ نظری از کار درآورم. مشکل در همین وهله بروز کرد وقتی یکی از شرکت‌کننده‌ها اتفاقی به وجود نسخه‌ای مخفی از بازی اشاره کرد که شبه‌تباهی نام داشت، و مبتنی بر یک سیستم جفت‌سازی نه‌تایی بود. شبه‌تباهی، صفرها و جفت‌های نه‌صفر را مطرح می‌کند. این نسخه از بازی با عددگرایی زیگونی کار می‌کند. همین به قدر کافی در خودش گنج‌کننده بود، اما دیدن آن دو با هم — یا دیدن بین‌شان — لحظه‌ی باورنکردنی سرهم‌بندی نموداری بود. همه‌اش خودانگیخته در هم متراکم شد، و مارپیچ هم ناگهان انسجام یافت، مثل دری مخفی در رمز^۳ از دیرباز مکتوم سیستم ددهمی.

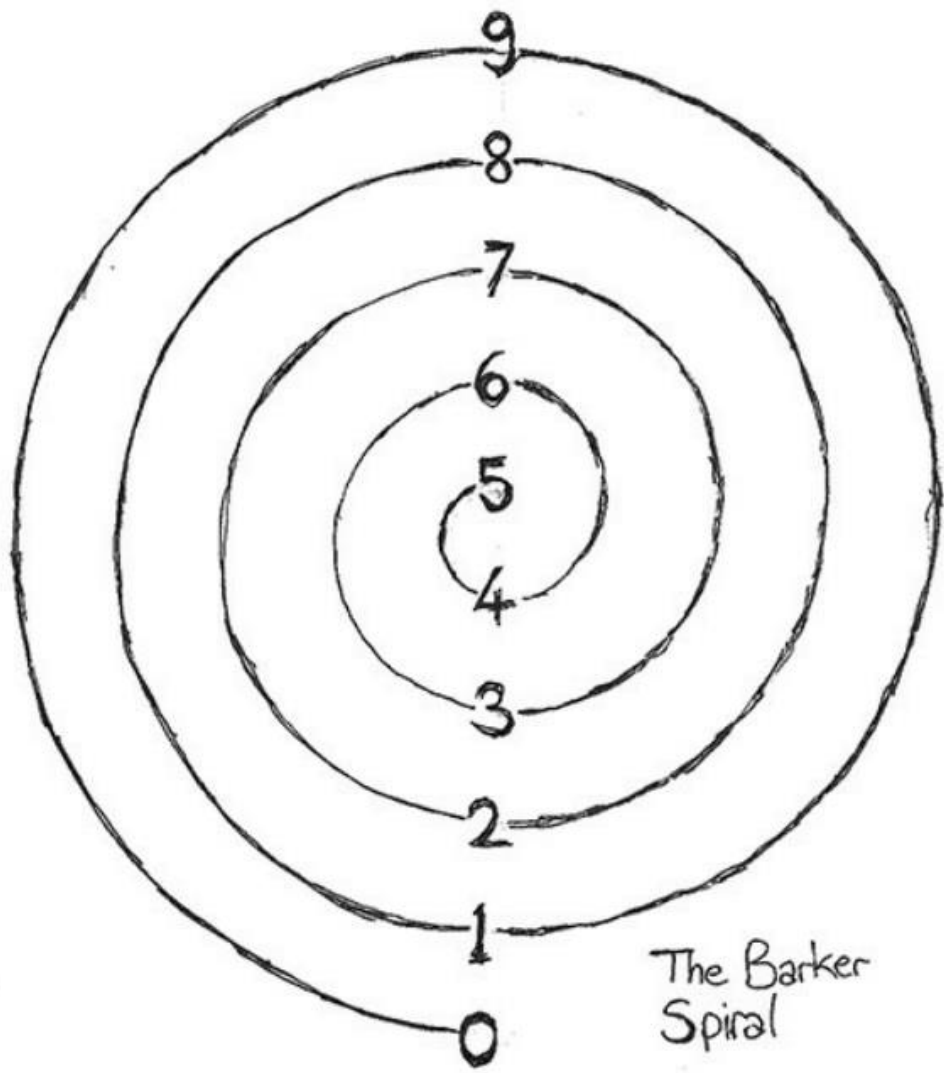
آثار

- «کاتالیز فرهنگ تیک شبه‌شیمیایی ماتریس‌های موج درد غیرارگانیک» (پلوتونیک: جلد ۱۰، شماره ۶، پاییز ۱۹۹۰)
- «نشانه‌شناسی غیرارگانیک» (پلوتونیک: جلد ۱۰، شماره ۹، پاییز ۱۹۹۱)
- «فاجعه‌گرایی مارپیچی» (پلوتونیک: جلد ۱۰، شماره ۱۰، بهار ۱۹۹۲)
- «تکتونیک پهنه‌ها» (پلوتونیک: جلد ۱۰، شماره ۱۲، پاییز ۱۹۹۲)
- «مصوت‌ها: یک استراتژی زیست‌سیاسی» (پلوتونیک: جلد ۱۰، شماره ۱۸، پاییز ۱۹۹۴)
- آن‌چه انسان شمرده می‌شود (کینگ اسپورت: نشر کالج کینگ اسپورت، ۱۹۹۷)

۱. game of Decadence؛ یک بازی که شیوه‌ی بازی‌کردنش همراه با شاخه‌های متنوع و نیز قواعدشان از جمله بازی شبه‌تباهی یا زیرتباهی در خود کتاب سی‌سی‌آریو مفصل (فصل سوم: نظم زمین‌ساختی قیامت، بخش چهارم: بازی تباهی و شبه‌تباهی) شرح داده می‌شود. در توضیح سی‌سی‌آریو می‌نویسد: «تاریخ این بازی به ده هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد و با خاستگاه‌های هندسه‌ی سومری-بابلی پیوند دارد که دایره‌ی سیصدوشصت درجه را به ده قطعه‌ی سی‌وشش درجه تقسیم می‌کردند. در این‌جا نیز بازی با بیرون‌ریختن تمام شاه‌ها، بی‌بی‌ها، سربازها، ده‌ها، و ژوکرها، با سی‌وشش ورق بازی انجام می‌شود. در شبه‌تباهی چهار بی‌بی اضافه شده و تعداد ورق‌ها به چهل می‌رسد. تباهی با منطق دهگان و شبه‌تباهی با منطق نُهگان پیش می‌رود. این بازی در اسطوره‌شناسی مصری به اوزیریس نسبت داده می‌شود. این بازی سرگذشتی دقیق، توطئه‌ای عملی، عددشناسی، و فرشته‌شناسی مخفی را با هم ترکیب می‌کند.» این بازی‌ها، در تطابق کامل با توضیحاتی که تا این‌جا در متن آمده، اشاره‌ای هستند به حرکت به سمت خورده‌شدن رمزنگارانه‌ی هر انجماد یا پوسیدن هر فهم دارویی از تکامل از خلال مارپیچ‌های عددی اشتدادی که سرانجام روی صفر یا هیولاهای غیرانسانی همگرا می‌شوند. پس بازی در واقع روند ساخت زمین‌شناختی بدن پر است. م.

2. digits

3. crypt



The Barker
Spiral